



سری جزوات کنکور ادبیات فارسی،
قابل استفاده برای کلیه داوطلبان آزمون سراسری



جزوه آموزگار

زبان فارسی

تهیه و تنظیم

دکتر ایسی پور

نقش کلمات در جمله :

۱ - نقش نهادی : انجام دهنده کار را نهاد می نامیم.

نکات مهم در مورد نهاد :

هر جمله ای نهاد دارد ؛ حتی اگر حذف شده باشد ، به عنوان جزء اصلی جمله حساب می شود . در حالت عادی و ثمر ، در ابتدای جمله می آید . در صورت حذف ، با توجه به فعل ، به نهاد پی می بریم .

مانند : او می نویسد . او باهوش است . او رفت .

در این مثال ها خود فعل یا کلمه ای دیگر به وسیله فعل به « او » نسبت داده شده است . در هر سه جمل « او » نقش نهادی دارد .

۲ - نقش مفعولی : وقتی نتیجه عمل فعلی که از نهاد سر می زند بر کلمه واقع شود ، می گوئیم که این کلمه نقش مفعولی دارد .

مانند : او نامه می نویسد . در این مثال عمل « نوشتن » از « او » سر می زند . نامه در این جمله نقش مفعولی دارد .

دقت کنید که مفعول همراه « را » مفعولی می آید که گاهی از جمله حذف می شود و البته باید رای مفعولی را از انواع دیگر « را » تشخیص داد .

انواع «را»

«را»، جزو حروفی است که در زبان فارسی نقش های مختلفی را ایفا می کند لذا باید آن را شناخت و درست به کار برد:

- نشانه مفعول: پر کار برد ترین نوع «را» همین نوع است و بلافاصله بعد از مفعول می آید:

احمد را دیدیم پیغام او را به شما رساندم

نکته

امروزه در زبان معیار تنها این نوع را وجود دارد.

- نشانه اضافه: شکل قدیمی «را» است و درست مانند حروف اضافه عمل می کند:

احمد را گفتند (معادل «به»: به احمد گفتند) مرا دردی است (معادل «برای»: برای من دردی وجود دارد)

- فک اضافه: فک در لغت به معنی جدا کردن است و مقصود از فک اضافه این است ترکیب اضافی از هم جدا شده باشد و این «

را » نشانه این جدایی است.

فلک را سقف: که در اصل سقفِ فلک بوده است و جای مضاف و مضاف الیه عوض شده است.

جان غافل را سفر: در اصل سفرِ جان غافل بوده است.

۱- در کدام بیت، تقدیم «مضاف الیه بر مضاف» صورت گرفته است؟ (انسانی ۹۶)

(۱) درخت قــد صنوبر خــرام انسان را مــدام رونق نوباه جوانی نیست

(۲) گر تشنگان بادیه را جان به لب رسد تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندر

(۳) بوستانی است مرا از گل و از روی کمال به سرا آمدی ای بلبل خوش گو بسرای

(۴) رونق عهد شباب است دگر بستان را می رسد مزده گل بلبل خوش الحان را

۲- در همه ابیات، به استثنای بیت جای مضاف و مضاف الیه عوض شده است. (ریاضی ۹۳)

- (۱) کشور تدبیر را زیر و زبیر سازد قضا ورنه در ملک رضا نوشیروان عادل است
 (۲) غفلت ما را سبب عمر سبک جولان شده است خواب ما را این صدای آب سنگین کرده است
 (۳) جان غافل را سفر در چار دیوار تن است پهای خواب آلوده را منزل کنار دامن است
 (۴) طفل طبعان را دل از بهر تماشا می دود خو به عزلت کرده از سیر و تماشا فارغ است

۳- نقش متممی : نقش متممی آن است که کلمه به وسیله بعضی از حرفها ، که به آنها حرف اضافه می گویند ، به فعل مربوط می شود و توضیحی درباره فعل می دهد و معنی آن را کامل می کند .
 مانند : او به خانه آمد .

حروف اضافه ، عبارتند از : از ، به ، در ، برای ، تا ، چو ، چون (اگر معنای تشبیه بدهند)

۴- نقش قیدی : بعضی از کلمه ها در جمله نقش قیدی می گیرند . قید معنی زمان ، مکان ، حالت و... را به جمله می افزاید و قابل حذف است .

مانند «شب» در جمله : او شب به خانه ما آمد . او خوشحال آمد . او هرگز دروغ نمی گوید

۵- صفت : وقتی کلمه در جمله مثل صفت به کار رود می گوئیم که این کلمه نقش وصفی دارد . مانند : دوست شجاع من آمد

۶- مضاف الیه : در نقش مضاف الیه ، اسم مضاف الیه واقع می شود و اسم دیگری که مضاف است به او نسبت داده می شود .
 مانند : مداد دوستم را گرفتم .

در اینجا مداد به اونسبت داده شده است و اومضاف الیه است . مداد مضاف است .

۸- نقش مسندی : نقش مسندی وقتی است که کلمه ، مسند واقع شود . یعنی به وسیله فعل اسنادی ، به اسمی که نهاد واقع شده ، نسبت داده شود .

مانند : غذا گرم است .

در اینجا «گرم» به وسیله فعل «است» غذا نسبت داده شده است . در این جمله «گرم» مسند است .

نکات مهم :

- افعال اسنادی (است ، بود ، شد ، گشت ، گردید) ، می توانند به جای هم ، جایگزین شوند .

- گاهی این افعال ، معنی غیر اسنادی می دهند .

هوا سرد است (اسنادی) او در خانه است (وجود دارد ، غیر اسنادی)

باغ سبز شد (اسنادی) او به مکتب شد (رفت ، غیر اسنادی)

۱۰- نقش منادائی (ندائی) : وقتی کلمه در جمله منادا واقع می شود می گوئیم این کلمه نقش منادائی دارد . ما کلمه منادائی را با علامتی یا تغییر آهنگ صدائی می گوئیم .

۴- واژگان مشخص شده در همه گزینه ها «نقش متممی» دارند؛ به جز....

- (۱) هزار سلطنت دلبری بدان نرسد که در دلی به هنر خویش را بگنجانی
(۲) شب قدر است و روز عید هر ساعت مه و خور را اگر خود را بگنجانند در شبهای درویشان
(۳) ای آفتاب خوبان می جوشد اندرونم یک ساعت بگنجان در سایه عنایت
(۴) امن از این خاک چنان رفته که گر یابد باز خوف آن است که از آب بترسد ماهی

۵ - واژگان مشخص شده در همه گزینه ها «نقش مفعولی» دارند؛ به جز...

- (۱) شربت نوش آفرید از مگس نحل نخل تناور کند ز دانه خرما
(۲) با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق خام از عذاب سوختگان بی خبر بود
(۳) اگر شراب خوری جرعه ای فشان بر خاک از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک
(۴) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد در این دیوار خراب آبادم

۶- واژگان مشخص شده در همه گزینه ها «نقش نهادی» دارند؛ به جز ..

- (۱) دامن مفسان از من خاکی که پس از من زین در نتواند که بر باد غبارم
(۲) خرم آن روز کز این مرحله بر بندم بار وز سحر کوی تو پرسند رفیقان خبرم
(۳) ای عاشقان روی تو از ذره بیشتر من کی رسم به وصل تو کز ذره کم ترم؟
(۴) چو حافظ گنج او در سینه دارم اگر چه مدعی بیند حقیقرم

۷- نقش دستوری واژه های مشخص شده در همه گزینه ها یکسان است؛ به جز

- (۱) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا داند حال ما سبکباران ساحلها؟
(۲) دل عالمی بسوزی چو عذار بر فروزی تو از این چه سود داری که نمی کنی مدارا
(۳) مرا و سرو چمن را به خاک راه نشاند زمانه تا قصب نرگس قبای تو بست
(۴) دل خرابی می کند دلدار را آگه کنید زینهار ای دوستان جان من و جان شما

۸- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) سر فرا گوش من آورد به آواز حزین گفت ای عاشق دیرینه من خوابت هست؟
(۲) می بده تا دهمت آگهی از سر قضا که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست
(۳) شاید آن شکن بر شکن ار می شکنی دل مرا را شکن بیش به پیمان شکنی
(۴) بکن معامله ای وین دل شکسته بخر که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

۹- نقش دستوری واژه های مشخص شده در همه گزینه ها یکسان است؛ به جز

- (۱) اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست
- (۲) زلفت هزار دل به یکی تار مو ببست راه هزار چار گر از چهارسو ببست
- (۳) بیا که قصر اصل سخت سست بنیاد است بیار باده کوه بنیاد عمر بر باد است
- (۴) چو نقش غم ز دور بینی شراب خواه تشخیص کرده ایم و مداوا مقرر است

۱۰- در کدام گزینه نقش «منادایی» وجود ندارد؟

- (۱) صورت روی تو ای ماه دل آرای چنانک صورت حال من از شرح و بیان می گذرد
- (۲) صائب شکایت از ستم یار چون کند؟ هر جا که عشق هست، جفا و وفا یکی است
- (۳) آن نه شخصی که جهانی ست پر از لطف و کمال عمر ضایع مکن ای دل که جهان می گذرد
- (۴) در غمش خواجـو چو چشم خون فشان چشمه خونـاب هرگز دیده ای؟

۱۱- کدام بیت فاقد «نقش تبعی» است؟ (هنر ۹۷)

- (۱) بنده حلقه به گوش ارنوازی برود لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش
- (۲) تا خود نوشته بازنشویی به اشک شوق گو تـو سواد دیده مداد آورد تو را
- (۳) تو خود ای شب جدایی چه شبی بدین درازی بگـذر که جان «سعدی» بگداخت از نهیبت
- (۴) قبیله ها همه عاشق شوند با تو ولی قبیله ای است که مجنون شوند لیلا را

۱۲- کدام بیت فاقد «نقش تبعی» است؟ (هنر ۹۵)

- (۱) لاف زخم لاف که تو راست کنی لاف مرا نـاز کنم ناز که من در نظرت معتبرم
- (۲) شاباش زهی نوری بر کوری هر کوری کـاو روی نپوشاند زان پس که برآرد سر
- (۳) آسمان خـود کنون زمان خیره است کـه چرا این زبـون نمی خسبد
- (۴) بر زمین و چرخ روید مر تو را یاران صاف لیک عهدی کردهای با یار پیشین یاد دار

۱۳- در کدام بیت «نقش تبعی» یافت نمی شود؟ (ریاضی ۹۳)

- (۱) تو چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار که توسنی چون فلک رام تازیانه ی دوست
- (۲) امـروز چنان بـزی که فردا چو روی خندان تـو برون روی و گریان همه کس
- (۳) مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست
- (۴) به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزل ها

اجزای جمله:

در مورد اجزای جمله باید دانست که نهاد و فعل در هر جمله ای یافت می شوند و همیشه جزو اجزای اصلی جمله هستند و حتی اگر در جمله ، حذف هم شده باشند ، همچنان محاسبه می شوند .

۱- دو جزیی: فعل این جملات ناگذر است یعنی برای تمام کردن معنی به هیچ جزء دیگری نیاز ندارد.

افعال این نوع را می توان به دو گروه تقسیم کرد :

۱-۱ فعلهای اسنادی مانند : است ، بود ، شد ، گشت و گردید اگر معنی غیر اسنادی داشته باشند ؛ مانند :

او در خانه است / او به مکتب شد / ماه به دور زمین گشت

۲-۱ فعل هایی از مصدر های نظیر آمدن ، رفتن ، دویدن ، خوابیدن و...

۱۴- با توجه به مصراع های زیر، اجزای کدام مصراع ها از «نهاد + فعل» تشکیل شده است؟ (ریاضی ۹۹)

الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول

ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل

ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار

د) ز سر به در نروود همچنان امید وصال

ی) دی به چمن برگذشت سرو سخنگوی من

(۱) الف - ب - د

(۲) الف - د - ی

(۳) ب - ج - ه

(۴) ب - د - ه

۲- جملات سه جزیی :

به دو گروه تقسیم می شوند:

۲-۱ گذرا به مسند: فعلهایی نظیر: است، بود، شد، گشت و گردید

ترکیب اصلی این جملات : نهاد + مسند + فعل است .

۱۵- اجزای کدام مصراعها «نهاد + مسند + فعل» است؟ (ریاضی ۱۴۰۰)

الف) نیست جانش محرم اسرار عشق

ب) سر پر زشرم و بهابی مراست

ج) هم حرکاتش متناسب به هم

د) مرا در نهانی یکی دشمن است

(۱) الف - ب

(۲) الف - ج

(۳) ب - د

(۴) ج - د

۱۶- در کدام مصراع، فعل اسنادی و غیر اسنادی «هر دو» یافت می شود؟ (زبان ۱۴۰۰)

(۱) من در میان جمع و دلم جای دیگر است

(۲) مابه فلک می رویم عزم تماشا که راست

(۳) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد

(۴) باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست

۱۷- در کدام مصراع ها، جمله «سه جزئی گذرا به مسند» (نهاد + مسند + فعل) یافت می شود؟ (ریاضی ۹۵)

الف) زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد

ب) تو خود ای گوهر یک دانه کجایی آخر؟

ج) گدای شهر نگه کن که میر مجلس شد

د) گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت

ه) دی شد و بهمن آمد

(۱) الف - ب - د (۲) ب - ج - د (۳) ب - ج - ه (۴) ب - د - ه

۲-۲- گذرا به مفعول: فعل‌هایی نظیر: خوردن، بردن، شستن، نوشتن، بریدن.

نکته مهم: در این نوع جمله، حتماً «را» ی مفعولی وجود دارد و باید رای مفعولی را از رای اضافی و فک اضافه تشخیص داد.

۱۸- میان مصراع های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟ (تجربی ۹۹)

الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش

ب) نشستیم تابرون آیی خرامان

ج) تو در عالم نمی گنجی ز خوبی

د) دوست دارد آن که داری دوستش

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۳- جملات چهار جزیبی:

۳-۱- نهاد + مسند + مفعول + فعل

افعال این گروه را هم به دو گروه می توان تقسیم کرد:

الف- همان افعال گذرا به مسند که اکنون تغییر کرده اند و اکثراً هم معنی «کرد» هستند

هوا سرد است باران ← هوا را سرد کرد / گرداند / ساخت / می کند / نمود / گردانید

ب- دسته دوم افعالی هستند که معنی «نامیدن» و «به حساب آوردن» می دهند:

همه او را کدخدا می نامند.

مفعول مسند

عمده افعال این دسته عبارتند از:

- نامیدن و افعال هم معنی آن. از قبیل: خواندن، گفتن، صدا زدن.
- شمردن، به شمار آوردن، به حساب آوردن
- پنداشتن، دیدن، دانستن، یافتن

۳-۲- نهاد + متمم + مسند + فعل

جملات این گروه کم تعدادند و در کل در زبان فارسی کاربرد اندکی دارند.

مانند: همه به او پهلوان می گویند.

نکته خیلی مهم برای حل سؤالات اجزای جمله

هنگام حل این دسته از تست‌ها باید به فعل جمله توجه کرد و از روی نوع فعل می‌توان تعداد اجزای جمله را تشخیص داد.

۱۹- نقش کلمات مشخص شده در بیت «گشتم مقیم بزم او چون لطف دیدم عزم او گشتم حقیر راه او تا ساق شیطان بشکنم» به ترتیب کدام است؟ (انسانی ۹۲)

(۱) نهاد - متمم - مسند - مضاف الیه - متمم

(۲) مسند - نهاد - مفعول - مسند - متمم

(۳) نهاد - مسند - مسند - مضاف الیه - مفعول

(۴) مسند - مسند - مفعول - مضاف الیه - مفعول

۲۰- نقش‌های اصلی و تبعی واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟ (ریاضی ۹۲)

چرا غم دگران می‌کند پریشانم اگر نه رشته جان‌ها به یکدگر بسته ست؟»

(۱) مفعول - قید - مفعول - نهاد

(۲) نهاد - مسند - مفعول - نهاد

(۳) مضاف الیه - مسند - نهاد - مفعول

(۴) نهاد - قید - مفعول - مفعول

۲۱- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟ (ریاضی ۹۸)

راز همه کرد افشا، نموده رخ زیبا هم پرده درش بنگر هم پرده نشینش بین»

(۱) قید - نهاد - مضاف الیه - مسند

(۲) بدل - مفعول مضاف الیه - مسند

(۳) مضاف الیه - مسند - مفعول - مسند

(۴) مضاف الیه - مفعول - مفعول - نهاد

۲۲- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، کدام است؟ (هنر ۹۸)

در هوای گل روی تو بود خواجو را هم نفس بلبل شبخیز خوش الحان همه شب»

(۱) مضاف الیه - مفعول - مسند - نهاد

(۲) مضاف الیه - مضاف الیه - مسند - نهاد

(۳) مضاف الیه - مفعول - نهاد - مسند

(۴) متمم - مضاف الیه - نهاد - مسند

۲۳- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟ (خارج انسانی ۹۸)

اگر نسازد یوسفی هر روز گردون جلوه گر تا قیامت خلق را آن حسن روزافزون بس است

(۱) مفعول - مسند - قید - مفعول

(۲) مفعول - نهاد - قید - متمم

(۳) مفعول - نهاد - مسند - متمم

(۴) نهاد - مفعول - مسند - مفعول

۲۴- واژه های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟ (زبان ۹۸)

«سخن چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک مرد سلیم»

۴) نهاد - مسند - مفعول - متمم ۲) مسند - قید - مفعول - نهاد

۳) مسند - قید - نهاد - مفعول ۴) نهاد - مسند - مفعول - مفعول

گروه اسمی

هر گروه اسمی از یک هسته و یک یا چند وابسته تشکیل می شود. وجود هسته اجباری، وجود وابسته اختیاری است. نکته مهم:

تعداد گروه های اسمی، تابعی از تعداد نقش است؛ یعنی به تعداد نقش، گروه اسمی داریم.

روش پیدا کردن هسته:

باید دقت کنیم که آیا گروه اسمی ما، نقش نمای اضافه دارد یا نه؟ پس باید در دو حالت زیر بررسی کنیم:

الف- گروه اسمی، نقش نمای اضافه دارد: در این حالت، اولین کلمه ای که کسره گرفته، هسته، محسوب می شود.

مثال: دستِ مهربانِ او: هسته دست

ب- گروه اسمی، نقش نمای اضافه ندارد: در این حالت، آخرین کلمه، هسته است.

مثال: همان یک جلد کتاب: هسته، کتاب

۲۵- هسته ی گروه اسمی رو به رو ی همه گزینه ها درست است به جز..... (ریاضی ۹۴)

۱) تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر زبان: (ارزش)

۲) مجموعه ی آثار ادبی گذشته ی این مرز و بوم: (مجموعه)

۳) رابطه ی هم نشینی هر واحد زبانی با واحدهای دیگر: (رابطه)

۴) کوچک ترین واحد زبانی با معنای مستقیم و غیر مستقیم: (واحد)

۲۶- در همه گزینه ها به جز گزینه واژه های تعیین شده همگی «هسته گروه خود هستند».

۱) در بن این چاه آبش زهر و شمشیر و سنان گم بود. ۲) رخس را می دید و می پایید. رخس آن طاق عزیز، آن تایی بی همتا

۳) باز با آن آخرین اندیشه ها سرگرم ۳) خوان هشتم را، من روایت می کنم اکنون، من که نامم مات.

۲۷- عبارت «چه آغاز خوبی و چه پایان خوب تری! لحظه شورانگیزی بود.» چند گروه اسمی دارد؟

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۲۷- در متن زیر تمام واژه های گزینه «هسته» گروه خود هستند.

مردی فیلسوف و فقیه در حوزه درس مرحوم حاجی ملاهادی اسرار مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت، به این ده آمد.

۱) فیلسوف - فقیه - مرحوم - نمایان - ده ۲) مرد - حوزه - مقامی - شخصیت - نمایان

۳) مردی - درس - مقام - نمایان - ده ۴) مرد - حوزه - مقام - شخصیت - ده

انواع وابسته

اگر وابسته قبل از هسته بیاید، پیشین، و اگر بعد از هسته بیاید پسین خواهد بود.

وابسته‌های پیشین

- صفت اشاره: (این، آن، همین، همان) مانند: این کتاب - همان خانه
- صفت مبهم: (هیچ، هر، فلان، چند) مانند: هیچ کس، هر انسان، چند خانه
- صفت پرسشی: (کدام، چند، چه) مانند: کدام دست، چند نفر؟، چه کتابی؟
- صفت شمارشی: اصلی: یک، دو، سه و... مانند: چهار نفر، پنج میز
ترتیبی: دهمین، هشتمین، مانند: پنجمین نفر، چهارمین میز
- صفت تعجبی: مانند: چه خانه ای. عجب منظره ای
- صفت عالی: (ترین) مانند: بلندترین کوه، پایین ترین حد
- شاخص: (عناوین و القاب) مانند: سید محمد، دکتر احمدی، استاد کریمی

نکته مهم

عناوین و القاب به شرطی شاخص محسوب می‌شوند که اولاً حتماً همراه اسم بیایند و ثانیاً بدون نقش نمای اضافه قرار گرفته باشند مثلاً در این جملات شاخص وجود ندارد:

استاد درس را تدریس کرد. (در این جمله شاخص وجود ندارد زیرا لقب بدون اسم (هسته) به کار رفته است).
استاد فلسفه را می‌شناسی. (در این جمله شاخص وجود ندارد زیرا نقش نمای اضافه به آخر لقب اضافه شده است).

وابسته‌های پسین

- مضاف الیه: مانند: خانه همسایه
- صفت بیانی: شامل

صفت ساده: خوب، بد، دور، نزدیک

صفت فاعلی: (بن مضارع + ان/انده) مانند: روا، روان، رونده

صفت مفعولی: (بن ماضی + ه) مانند: گفته، رفته، دیده

صفت لیاقت: (مصدر + ی) مانند: رفتنی، دیدنی، شنیدنی

صفت نسبی: (اسم + ی) مانند: شهری، آسمانی، دستی

- صفت شمارشی نوع دوم: (م) مانند: کتاب دوم، نفر سوم

نکته مهم:

وابسته پیشین و پسین، زمانی وابسته محسوب می‌شوند که همراه هسته بیایند در غیر این صورت وابسته نیستند. مانند: چه کتابی خریدی؟ (صفت پرسشی) چه خریدی؟ (ضمیر پرسشی)

۲۸- صفتهای «فاعلی - مفعولی - نسبی - لیاقت» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (تجربی ۱۴۰۰)

- الف) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
 ب) جلوه کند چوقامتش زیر قبای زرفشان
 ج) تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم
 د) به عصیان سراپای آلوده ام
- ۱) ب - ج - الف - د ۲) ب - د - ج - الف ۳) ج - الف - د - ب ۴) ج - د - الف - ب

۲۹- صفت های «نسبی، فاعلی، لیاقت و مفعولی» به ترتیب، در کدام سروده ها آمده است؟ (زبان ۱۴۰۰)

- الف) لاله زاری در دل افکار دارم دیدنی
 ب) تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم
 ج) از پس نبردی سخت باز می گردم با چشمانی خسته
 د) ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند خورده ای
- ۱) ب - الف - ج - د ۲) ب - د - ج - الف ۳) د - الف - ب - ج ۴) د - ب - الف - ج

۳۰- در عبارت زیر، چند وابسته پیشین و پسین، به ترتیب، وجود دارد؟

دلم می خواست این نغمه آسمانی را همه بشنوند؛ همان کلمات شورانگیز که از داناترین استاد جهان شنیدم. کاش می شد یک لحظه همه را آشنا سازم.

- ۱) سه ، پنج ۲) چهار، سه ۳) چهار، چهار ۴) پنج ، چهار

۳۱- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

این سخنان مرا سخت دگرگون کرد. معلوم شد آن خبری که بر دیوار خانه کدخدا اعلان کرده بودند، همین بوده که: «بعد از این به کودکان ده آموختن زبان ملی ممنوع است.»

- ۱) ۴-۲ ۲) ۵-۲ ۳) ۴-۳ ۴) ۵-۳

۳۲- در عبارت زیر به ترتیب چند «وابسته پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

در ادب فارسی، شاعران و نویسندگان، همواره دل پذیرترین، زیباترین و شکوهمندترین شیوه تصویرنگاری را در سروده های زیبای خویش به کار گرفته اند.

- ۱) ۴-۱ ۲) ۴-۳ ۳) ۳-۱ ۴) ۴-۳

۳۳- در کدام گزینه «شاخص» نیست؟

۱) کدخدا احمد، به مسایل و مشکلات مردم روستا رسیدگی میکند.

۲) عموی احمد، مهندس شرکت نفت است.

۳) دکتر محمد معین، اولین دکترای ادبیات فارسی در ایران بود.

۴) غلامحسین یوسفی، در کنار مرادش، امام رضا (ع)، به خاک سپرده شد.

ترکیب وصفی و اضافی

ترکیب وصفی: ترکیب یک هسته و یک صفت است (صفت پیشین یا پسین) مانند: این خانه / هر وقت / دو نفر / بهترین وقت / درخت بلند / انسان توانا / منظره دیدنی

ترکیب اضافی: ترکیب یک هسته و یک اسم و یا به عبارت بهتر، یک غیر صفت است. مانند: دست من / درخت باغ / جهت شرق و....

نکات مهم:

الف- صفت، جمع بسته نمی شود؛ پس هر کلمه ای که جمع بسته شود، حتما مضاف الیه است. مانند: جمع خوبان / پرونده گناهکاران / شیوه دیوانگان

ب- از ترکیب، صفت + ی، اسم به دست می آید که حتما مضاف الیه خواهد بود. مانند: راه جوانمردی / اصل زیبایی
ج- معطوف مانند کلمه هسته اش، جزو ترکیب، محسوب می شود. مانند: بهترین و جدیدترین شیوه: دو ترکیب وصفی یا مانند: دست من و تو که دو ترکیب اضافی است.

۳۴- در سروده زیر چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / این گلیم تیره بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و ... (زبان ۱۴۰۰)

(۱) یک، هفت (۲) دو، هفت (۳) سه، هفت (۴) دو، هشت

۳۵- در میان ترکیب های زیر، به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

راه آزادی - شناخت عناصر - زبان گویا - اندیشه های اجتماعی - منابع با ارزش - مطالعه فرهنگ - اشعار غنایی - چارچوب اجتماعی - تعامل فرهنگی - تلاش ملت»

(۱) ۶-۴ (۲) ۳-۷ (۳) ۴-۶ (۴) ۳-۷

۳۶- در متن زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

در مطالعه شعر نیما، دید تازه او به جهان جلوه گر است؛ نگاه او به همه موجودات و دیگر پدیده ها یادآور نگاهی است که شاعران غرب به این پدیده ها دارند. دید اجتماعی نیما که در سروده های نمادین و انتقادی او تجلی می یابد، در ادب نوین فارسی جایگاه ویژه دارد.

(۱) ۸-۱۱ (۲) ۹-۱۰ (۳) ۹-۱۱ (۴) ۸-۱۰

۳۷- در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابسته پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟ (تجربی ۹۸)

این معلم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتیم، از جانب او فاتحه ای برای این نویسنده بزرگ بخوانیم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

(۱) شش، پنج (۲) هفت، چهار (۳) هفت، پنج (۴) هشت، پنج

وابسته وابسته

وابسته وابسته در حقیقت همان وابسته ای است که اکنون خود وابسته ای دیگر گرفته است. وابسته وابسته، پنج نوع است:

• مضاف الیه مضاف الیه: خودکار دوست من

نکته برجسته این است که در این نوع وابسته وابسته، هیچ نوع صفتی وجود ندارد و دو غیر صفت به هم اضافه شده اند. مثلاً در مثال فوق، خودکار هسته است و دوست وابسته آن از نوع مضاف‌الیه. من نیز مضاف‌الیه دوست است که خود مضاف‌الیه هسته بود. پس در حقیقت «من» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.

- صفت صفت: کیف قهوه ای سوخته

برعکس مضاف‌الیه مضاف‌الیه، در این جا با دو صفت سروکار داریم ؛ قهوه ای، صفت هسته ما یعنی کیف است و سوخته صفت قهوه‌ای پس سوخته صفت صفت خواهد بود.

- صفت مضاف‌الیه: کیف پسر خوب

صفت مضاف‌الیه به دو شکل می‌تواند در جمله بیاید:
نوع اول آن است که به شکل مستقیم پشت سر هم بیایند مانند مثال فوق که در آن، خوب صفت پسر است که خود مضاف‌الیه است.

نوع دوم آن است صفت میان هسته و مضاف‌الیه قرار گرفته باشد مثلاً در عبارت «توپ آن پسر»، آن، صفت اشاره پسر است که خود مضاف‌الیه توپ است.

- قید صفت: هوای کاملاً ابری

در این نوع وابسته وابسته، قیدی می‌آید که چگونگی صفت را بیان می‌کند.

- ممیز: دو جفت جوراب

ممیز در حقیقت همان واحد شمارش است که نوعی وابسته‌ی وابسته محسوب می‌شود.

ذیلاً به تعدادی از این ممیزها اشاره می‌شود:

کتاب و دفتر (جلد)، خانه و مغازه (باب)، انسان (نفر)، وسیله (دستگاه)، پرونده (فقره)، کاغذ (برگ)، اسلحه (قبضه)، لباس (دست)، لوازم بیش از یک عدد نظیر مبل، کارد و چنگال (دست)،

نکته

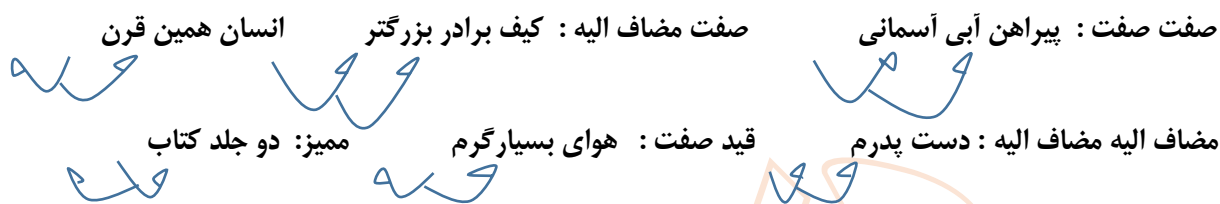
در هنگام تشخیص وابسته‌ی وابسته باید کلمات را دو به دو در نظر گرفت به این ترتیب که، وابسته را با هسته در نظر گرفت سپس همین وابسته را به عنوان هسته برای وابسته وابسته در نظر گرفت.

عدد به عنوان ممیز عام برای کلیه کلمات کاربرد دارد مثلاً دوعدد پیراهن. اما این کاربرد صحیح نیست و باید حتی الامکان ممیز اختصاصی همان کلمه را به کار برد.

رسم نمودار وابسته وابسته

برای رسم نمودار وابسته وابسته، باید به این روش عمل کرد: ابتدا از وابسته وابسته، فلشی را به سمت وابسته رسم می کنیم و از میانه فلش رسم شده، فلشی به هسته رسم می کنیم.

مثال:



۳۸- در کدام گزینه همه گروه واژه ها دارای وابسته وابسته هستند؟ (تجربی ۹۷)

- (۱) ظرافت طبع سخنور - ماجرای کاملاً اتفاقی
(۲) گوشه های لب پیرمرد - رفیق جهان دیده من
(۳) دو فرسخ راه نیموده - غنچه های بی خار باغچه
(۴) معتبرترین فروشگاه زنجیره ای - نوجوان نسبتاً کوتاه قد

۳۹- در میان گروه های اسمی «دو سیر زعفران، لباس خواهر بزرگتر، بهترین دانش آموز کلاس، نخستین روز مدرسه، یک فروند هواپیمای جنگی، لباس نسبتاً نفیس، برجسته ترین شرکت کننده المپیاد ادبی، کتاب جغرافیای منطقه، آن داور بین المللی، چندمین روز پیاپی، زنگ در ساختمان، رنگ قرمز تند» چند گروه، «وابسته وابسته» دارد؟ (هنر ۹۱)

۹ (۴)

۸ (۳)

۷ (۲)

۶ (۱)

۴۰- تعداد «وابسته های وابسته» در همه ابیات، یکسان است؛ به جز (خارج از کشور انسانی ۹۸)

- (۱) به یادگار کسی دامن نسیم صبا گرفته ایم
(۲) هر که دریابد نشاط باده تلخ فنا
(۳) بند همه غم های جهان بر دل من بود
(۴) دست گدا به سیب زرخندان این گروه

۴۱- در هر دو بیت کدام گزینه، دو نوع وابسته وابسته دیده می شود؟ (انسانی ۹۹)

- (الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم
(ب) مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر
(ج) خنده جام می و زلف گره گیر نگار
(د) خط به گرد لب جانبخش تو میدانی چیست؟

۴-ب (۴)

۳-ب (۳)

۲-ب (۲)

الف - ب (۱)

شیوه بلاغی

منظور از شیوه بلاغی آن است که ترتیب اجزای جمله به هم بریزد؛ مثلاً به جای آن که نهاد در اول و فعل در آخر جمله بیاید و یا ضمیر به جای آن که در سر جای خود قرار گیرد در جایی دیگر قرار گرفته باشد.

شیوه بلاغی ممکن است به دو شکل وجود داشته باشد:

الف- جابجایی اجزای جمله مانند:

نخواهی که باشد دلت دردمند دل دردمندان —رآور ز بند
نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم
شنیدم ز پیران شی—رین سخن که بود اندر این شهر پیری کهن

ب- به شکل جابجایی و یا جهش ضمیر؛ یعنی ضمیر در جای خود نیامده و در جایی دیگر قرار می گیرد:

یک— روز دل بر بنده ای بسوخت که می گفت و فرماندهش می فروخت
در این جا «م» مضاف الیه دل است اما از آن جا، جابجا شده و به نزدیک آمده است.

شتاب می کندم عمر در فراق مکوش تو را که از پس عمری بدیده ام مشتاب
در این جا «م» مضاف الیه عمر است اما با جابجایی در کنار «کند» قرار گرفته است.

۴۲- در جملات کدام ابیات «هم شیوه بلاغی و هم شیوه عادی» مشاهده می شود؟ (تجربی ۱۴۰۰)

الف) نیست جانم محرم اسرار عشق	هر که را در جان غم جانانه نیست
ب) از عمر ذوق دیدم وقتی که با تو بودم	ذوقی چنان ندارد بی— دوست زندگانی
ج) جانا هزاران آفرین بر جانت از سر تا قدم	صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم
د) ای تو با جمله و تنها ز منی فی الجمله	ن—ور چشم منی و جان دل تنهایی
ه) سی—اوش سیه را به تندى بتاخت	نشد تنگ دل جنگ آتش بس—اخت
۱) الف - ب - ه	۲) ب - ج - ه
۳) ب - د - ه	۴) ج - د - ه

مذف فعل

مقصود از حذف این است که بخشی از جمله (به ویژه فعل) حذف شود. این باید حتماً با قرینه باشد در غیر این صورت، جمله به لحاظ دستوری و نگارشی اشتباه خواهد بود.

انواع حذف

قرینه لفظی: یعنی کلمه ای در جمله وجود داشته است که به قرینه آن کلمه ای دیگر را که عین آن است حذف کرده ایم.

مانند: میر ماه است و بخارا آسمان (است)

یا: آل بویه در قرن چهارم بغداد را فتح (کردند) و آل بویه را برکنار کردند.

قرینه معنوی: یعنی کلمه محذوفی در جمله وجود ندارد و باید از روی معنا کلمه محذوف را دریافت مثلاً:

نه هر که به قامت مهتر (باشد) به قیمت بهتر (است)
یا: هر که بامش بیش (باشد) برفش بیشتر (است)

- ۴۳- در کدام بیت، حذف فعل به قرینه معنوی و جمله اسنادی مشهود است؟ (تجربی ۱۴۰۰)
- (۱) پیاله از تو نگیرم بیار می ساقی
 - (۲) به راه عشق که از هر غمی گریزی نیست
 - (۳) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست
 - (۴) یوسف حسن تو را ای جان هزاران مشتری است
- که در سرای مغان جای خرده گیری نیست
هزار شکر که ما را غم فقیری نیست
که مونس دم صبحم دعای دولت توست
چون الهی عاشق مفلس در این بازار نیست

۴۴- حذف فعل در همه ی ابیات به جز بیت «حذف فعل به قرینه ی معنوی» صورت گرفته است. (تجربی ۹۳)

- (۱) کسی را بده پایه مهتران
 - (۲) که یا رب بر این بنده بخشایشی
 - (۳) یکی شخص از این جمله در سایه ای
 - (۴) بد اندیش را جاه و فرصت مده
- کـه بر کهتران سر ندارد گران
کـزو دیده ام وقتی آسایشی
بـه گردن بر از حله پیرایه ای
عـدو در چه و دیو در شیشه به

حروف ربط

حروف ربط به دو بخش حروف ربط هم پایه و وابسته تقسیم می شوند:
حروف ربط هم پایه ساز: این حروف ما بین دو جمله ای می آیند که از لحاظ دستوری وابستگی به هم ندارند.
مانند: به خانه رفتیم و او را دیدم
جمله هم پایه حرف ربط هم پایه ساز جمله هم پایه

مهم ترین حروف ربط هم پایه ساز عبارتند از: و، ولی، اما، یا.

حروف ربط وابسته ساز: این حروف دو جمله را به نحوی به هم ربط می دهند که یکی از آنها جمله پایه و دیگری وابسته خواهد بود.
مثلاً:

<u>می دانستم</u>	<u>که</u>	<u>می آیی</u>
جمله هم پایه	حرف ربط وابسته ساز	جمله وابسته

مهم ترین حروف ربط وابسته ساز: که، اگر، تا، چون، زیرا، با این که، تا این که، همین که، همین که، گرچه.

نکته مهم

جمله ای که در آغاز آن حرف «که» یا یکی دیگر از حروف ربط وابسته ساز قرار گرفته باشد، جمله وابسته محسوب می شود.

۴۵- کدام بیت، فاقد «جمله مرکب» است؟ (هنر ۱۴۰۰)

- (۱) گله از فراق یاران و جفای روزگاران نه طریق توست سعدی کم خویش گیر و راستی
(۲) باری مگرت بر رخ جانان نظر افتاد سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی
(۳) ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت دو چندان می شکفت و برگ می کرد
(۴) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دسست نباید چو سرو باش آزاد

۴۶- همه ی ابیات به استثنای بیت فاقد «جمله ی وابسته» اند. (تجربی ۹۳)

- (۱) بهار آمد و گلزار نورباران شد چمن ز عشق رخ بار لاله افشان شد
(۲) برقی زمزمه لیلی بدرخشید سحر وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد
(۳) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
(۴) زین پیش دلاورا کسی چون تو شکفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

انواع ان

«ان» انواع مختلفی دارد و به معانی مختلفی، به کار می رود مانند:

ان جمع: مردان، درختان، کودکان، پاکان

ان نسبت: بابکان، جانان

ان فاعلی: خندان، دوان، روان

ان مکان: گیلان، دیلمان، خاوران

ان زمان: بهاران، خزان، سحرگاهان، شامگاهان

ان شباهت: ماهان، کوهان

۴۷- مفهوم نشانه «ان» در مقابل همه واژه ها، درست آمده است؛ به جز (فنی ۹۸)

- (۱) بابکان، نسبت (۲) بهاران، زمان (۳) دوستداران صفت فاعلی (۴) کوهان: مثل و مانند

۴۸- مفهوم «ان» در کدام واژه ها به ترتیب: «نشانه جمع، صفت فاعلی، نسبت، پسوند زمان» است؟ (ریاضی ۹۸)

- (۱) روندگان، سخنسرایان، گیلان، خزان (۲) مردان، کیان، سپندان، سپیده دمان

- (۳) سخنگویان، گرگان، کوهان، بامدادان (۴) نیاکان، خرامان، بابکان، نوبهاران

تغییر واژه در زمان

معمولاً واژه ها در گذر زمان دچار یکی از وضعیت های چهار گانه ی واژه در گذر زمان می شود:

۱- برخی از واژه ها به علل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی؛ عقیدتی و... از فهرست واژگان دوره ی بعد حذف می شوند که این حذف معمولاً دائمی است. مانند واژه های سوفار، برگستوان، گبر،
۲- برخی از واژه ها معنای پیشین خود را از دست داده و معنای جدیدی گرفته اند (تحول معنایی) مانند: سوگند، رعنا، مزخرف..
۳- واژه هایی که با همان معنای پیشین به حیات خود ادامه می دهند. مثل: پا، دست، سر و..

۴-واژه هایی که ضمن حفظ معنای پیشین معنای جدیدی نیز گرفته اند(گسترش معانی) همچون :

یخچال ، سپر ، زین و....

۴۹- در کدام عبارت، واژه ای یافت می شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟

(۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.

(۲) پس چون یک چند برآمد ملک روم خراج باز گرفت.

(۳) صحرا را دریایی دریافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان.

(۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.

ارتباط معنایی کلمات

ارتباط معنای دقیق یک واژه در جمله و با کاربرد و روابط آن با دیگر واژه ها مشخص می شود. مجموعه ی این پیوستگی ها را روابط معنایی می گویند.

انواع روابط معنایی:

۱- مترادف(هم معنایی) مانند: (خاور= مشرق) یا (باختر=مغرب)

۲-تضاد(واژه های متضاد)(غم و شادی) یا (دوزخ و بهشت)

۳-تضمن(یکی از کلمات ، زیر مجموعه دیگری باشد) مانند : (سرو و درخت) ، (پروانه و حشره)

۴-تناسب : دو کلمه ، جزو یک گروه یا مجموعه باشند : سوسن و سنبل (مجموعه گل) ماه و خورشید (مجموعه آسمان)

۵۰- در کدام گروه واژه، رابطه معنایی واژه ها، با سایر گروه ها، متفاوت است؟

(۱) آسمان و ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده (۲) تفوق و برتری - عقده و گره : صواب و صلاح

(۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی (۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته سیاه - پادگان و سرباز

ردیف	جواب	ردیف	جواب	ردیف	جواب
۱	۲	۲۳	۳	۴۵	۱
۲	۱	۲۴	۴	۴۶	۲
۳	۳	۲۵	۱	۴۷	۳
۴	۲	۲۶	۴	۴۸	۴
۵	۴	۲۷	۳	۴۹	۴
۶	۴	۲۸	۴	۵۰	۲
۷	۳	۲۹	۴		
۸	۳	۳۰	۳		
۹	۱	۳۱	۲		
۱۰	۲	۳۲	۴		
۱۱	۲	۳۳	۲		
۱۲	۲	۳۴	۱		
۱۳	۲	۳۵	۳		
۱۴	۲	۳۶	۴		
۱۵	۲	۳۷	۴		
۱۶	۴	۳۸	۱		
۱۷	۳	۳۹	۳		
۱۸	۳	۴۰	۱		
۱۹	۴	۴۱	۴		
۲۰	۲	۴۲	۳		
۲۱	۳	۴۳	۳		
۲۲	۲	۴۴	۴		